

## بدبختی آمریکا در ویتنام

وقتی خبر حمله نیروی هوایی آمریکا بمخازن سوخت ویتنام شمالی منتشر شد نیمی از مردم گیتی یا لاقلاً آنها که نسبت بقضایا دید «سوبر کیتو» دارند و البته تعدادشان هم کم نیست تقریباً یقین کردند که حالا دیگر جنگ جهانی از ویتنام آغاز خواهد شد زیرا عمل آمریکا بدون تردید با عکس العمل شدید شوروی وسایر کشورهای اردوگاه کمونیزم رو برو میگردد و تقریباً طبیعی است که بعد از دخالت مستقیم آنها جنگ آمریکا و ویتنامکها آمریکا و ویتنام شمالی بجنگ آمریکا و شوروی و یا آمریکا و کشورهای اردوگاه کمونیزم مبدل خواهد شد . و آتش آن در اندک زمان سراپای جهان را بکام خود فرو خواهد کشید و آن وقت آن فاجعه وحشتناک یعنی نابودی بشریت بوسیله نیروی اتم تحقق میپذیرد گرچه در این صورت دیگر کسی باقی نمیماند تا دادگاه نورمبرگ را تشکیل دهد و جنایتکار جنگ را معرفی و مجازات کند ولی بهر حال چون لازم است مردم آتش افروز چنین جنگ نابودکننده و دودمان براندازی را بشناسند پس بنظر میرسد برای راحتی خیال و یا انجام وظیفه هم شده باشد معرفی مقصر و جنایتکار قبل از شروع و پایان جنگ اتمی بی مناسبت نباشد دستگاه عظیم تبلیغاتی کار خود را شروع میکند .

- مسبب آدم کشی در ویتنام کیست ؟ آمریکا
- چه کسانی با آتش جنگ در ویتنام دامن میزنند و توسعه آنرا بنفع خود میدانند ؟ صاحبان صنایع جنگی آمریکا .
- آتش افروزان جنگ جهانی وانها که صلح خیانت میکنند کیانند ؟ طبیعی است امپریالیستها یعنی امریکائیهها .
- آمریکا چه باید بکند که آتش افروز جنگ و خائن صلح شناخته نشود ؟ قدم اول این است که فوراً از ویتنام خارج شود .
- اگر آمریکا ویتنام را رها کند تبلیغات ضد امریکائی تمام خواهد شد ؟ هرگز ..... زیرا ویتنام که تنها نیست امریکائیهها باید از همه جا بخانه خود بازگردند
- اگر چنین کردند آن وقت باز هم امپریالیست و آتش افروز جنگ شناخته میشوند ؟ البته زیرا ماهیت حکومت ورژیم امریکائی امپریالیستی است .
- پس قاعدتاً باید رژیم آمریکا را عوض کرد ؟ این کاملاً صحیح است

تنها وقتی دنیا روی آرامش و صلح پایدار را خواهد دید که هیچ گونه اثری از هیچ يك از حکومت ها و رژیم های امپریالیستی برجای نمانده باشد .  
 - مرگ بر امریکا . مرگ بر امپریالیسم . مرگ بر رژیم هائی که جیره خوار امپریالیسم و سرسپرده آن میباشند . همه جا باید پوزه امپریالیستها را بخاک مالید . همیشه باید از تمام امکانات خود برای تضعیف و نابودی حاکمیت استفاده کرد . هیچ موقعیت مناسبی را نباید از دست داد . خواه این موقعیت آنها در کوبا باشد . در کره باشد . یا در ویتنام فرق نمیکند . تمام دنیا صحنه جنگ بی امانیست علیه امپریالیزم ستمکار .

وقتی کار باین جا میکشد دیگر دستگاه عظیم تبلیغاتی موفق شده است . چشم حقیقت بین مردم را بسته است مانند این میماند که جادوکار خود را کرده حتی بزرگترین مفسرین زمان ما از تشریح منطقی اوضاع و احوال بصورتی که تمام خصوصیات عینی قضایا را در نظر بگیرند عاجز میشوند همه در يك خط حرکت میکنند . همه يك چیز میگویند . همه بيك مساله فکر میکنند آن خط . آن چیز و آن مساله همان است که قبلا آن نیروی عظیم تبلیغاتی با قدرت بی همتا و جادویی خود پیش پای همگان گذاشته است . هر جا . در هر گوشه دنیا در هر منطقه ای از مناطق گیتی اگر زرد و خوردی روی دهد و اگر جنگی بین کمونیستها و غیر کمونیستها اتفاق افتد حق حتما با کمونیست ها است گویا این را از روز ازل تعیین کرده اند . وقتی قضیه کوبا دنیا را بلب پرتگاه جنگ جهانی میکشد همان دستگاه تبلیغاتی همه را بشکلی هدایت میکند که يك دل و يك زبان بگویند چرا کوبا را بحال خود نمیگذارید . یانگی بخانهات برگرد تواز جان کوبائی چه میخواهی ؟ وقتی مساله امنیت اروپا در برابر تجاوز کمونیزم مطرح میگردد باز همین نغمه ساز میشود که ای امریکائی تو را بکار اروپا چکار برگرد بخانهات و اروپا را برای اروپائی بگذار .

طبیعی است که حوادث افریقا و آسیا هم از این قاعده کلی مثنی نیستند . منتهی هر روز نوبت يك جا است امروز هم نوبت ویتنام است . حرف این است که امریکا باید ویتنام را تخلیه کند امریکا چه منافعی در ویتنام دارد که تا این حد برای حفظ آن ایستادگی میکند - ویتنام بازار خوبی برای بنجل امریکائی است . این صحیح ولی این بازار تا این حد ارزش ندارد که ملت امریکا بهترین فرزندان خود را قربانی حفظ آن کند . امریکا بنجلی را که بویتنام میفرستد بالاخره یکجای دیگر و بشکل دیگری آب خواهد کرد خیلی هم که قافیه تنگ بیاید آن بنجلها را منتهی با شرایط سهل تری بکشورهای باصطلاح سوسیالیستی خواهد فروخت .

— آمریکا از نیروی کار ارزان ویتنام استفاده میکند. اینهم حرفی است منطقی ولی حتما حفظ این نیروی کار ارزان باین شکل صرف ندارد. آمریکا از منابع مواد خام ویتنام مجانا بهره کشی میکند. مگر ارزش مواد خام موجود در ویتنام چقدر است که آمریکا بخاطر آن چنین بودجه عظیم جنگی را تحمل کند و تازه حیثیت و آبروی جهانی خود را هم ملعبه دست مردم کند.

— آمریکا از ویتنام جنوبی بعنوان يك پایگاه نظامی استفاده میکند. البته صحیح است ویتنام جنوبی یکی از صدها پایگاه آمریکا شناخته میشود ولی شما تصور میکنید از دست دادن این پایگاه هر قدرت تهاجمی یا تدافعی آمریکا کوچکترین تغییری ایجاد خواهد کرد. امروز قدرت سلاح های جنگی و تکنیک آن بمرحله ای رسیده است که دیگر موضوع پایگاه روی کره خاکی ما کاملا ارزش و اهمیت خود را از دست داده است کسانی که سفینه ای را آرام بر سطح کره ماه فرود میاورند قاعدتا باید بتوانند هر مقدار مواد انفجاری را از هر مبثنی بهر مقصدی روی کره زمین برسانند. بهر حال ویتنام آنچنان پایگاهی نیست که در تعیین سرنوشت جنگ احتمالی آینده نقش حساسی را برعهده داشته باشد.

— پس چرا امریکائیا در ویتنام باقی مانده اند. چرا بهترین جوانان خود را در این جهنم روی زمین قربانی میکنند چرا هزینه سنگین چنین جنگی را با رغبت تحمل مینمایند چرا نفرت لاقول نیمی از مردم گیتی را باین خاطر بر خود هموار میکنند. باز هم پایداری میکنند ایستادگی مینمایند و با يك عمل ساده یعنی تخلیه ویتنام ب همه این بدبختی ها خاتمه نمیدهد. چرا .. چرا ... چرا ... پاسخ باین چراها را چه مرجعی صالح تر از خود امریکائیا میتواند بدهد. آنچه که مسلم است امریکا میداند چرا در قتلگاه ویتنام در میان آتش و خون ایستاده و میجنگد اما این کافی نیست منم قبول دارم که این کافی نیست زیرا مردم دنیا باید بدانند چرا امریکا مبارزه میکند همه آنهائیکه آزادی را انتخاب کرده اند باید بفهمند چرا امریکای امپریالیست و سرمایه دار تا این اندازه پایمردی نشان میدهد. در این جا حق نداریم مساله را بادید ناسیونالیزم آنهم از درجه چشم يك ویتنامی محروم و ستم کشیده که ۲۵ سال تحت ناگوارترین شرایط غیر انسانی و زیر شکنجه و عذاب در کارزار با بیگانگان بوده است و هنوز هم سراسر کشورش لگد کوب اجنبی است بنگریم زیرا چنین داوری در بهترین صورت خود فقط حق همان ویتنامی است.

اگر دید ما نسبت بقضیه يك دید جهانی باشد منطقی و اصولی است. امریکا در ویتنام در برابر کمونیزم ایستاده است. این را باید دید این را باید لمس کرد به این حقیقت باید توجه داشت و درست بهمین خاطر است که ملت امریکا قربانی میدهد. از ویتنام بعنوان بازار فروش اجناس امریکائی میشود صرف نظر کرد. از ویتنام بعنوان منبع نیروی کار ارزان میشود چشم پوشید. از ویتنام بعنوان مخزن مواد خام اولیه میتوان گذشت. از ویتنام به مشابه پایگاه جنگ جهانی سوم امکان دارد صرف نظر نمود. از ویتنام بعنوان مرکز آزمایش سلاح های جنگی میتوان خارج شد و احتمالا تنگ شکست را نیز تحمل کرد. ولی از ویتنام به مشابه صحنه مبارزه آزادی و دموکراسی علیه استبداد کمونیستی نمیتوان و نباید خارج شد این شرط آزادی و ارمان خواهی نیست. «نگوین هر تو» رهبر ویت کنگ میگوید.

«تا زمانیکه امریکائیها ویتنام را تخلیه نکرده و با از این کشور بیرون رانده نشوند و یک دولت واقعا مستقل که پایه و اساس آن را صلح و بیطرفی تشکیل بدهد زمام امور را در دست نگیرد جنگ ویتنام همچنان ادامه خواهد یافت. اگر نسل کنونی ما نتواند در این پیکار آزادی بخشی پیروز شود پسران و نوه هایمان پیروزی نهائی را از آن خود خواهند ساخت.

درد فروان ما بر رهبر ویت کنگ که بخاطر استقلال کشورش مبارزه میکند ولی آیا آقای نگوین هوتو که نه خودش بلکه دشمنانش او را کمونیست میشناسند میتواند تمهید کند که با تسلیم شدن امریکا امکان این هست که در ویتنام حکومتی واقعا مستقل که پایه و اساس آن را صلح و بیطرفی تشکیل دهد بوجود آید؟ آیا رهبر ویت کنگ تاب مقاومت و ایستادگی در برابر هوشی مینه مقتدر را خواهد داشت؟؟

آیا تسلیم شدن امریکا بنظریات آقای نکوین هوتو معنا بش تسلیم شدن بدیکتاتوری کمونیستی نیست. و آیا این گامی در راه پیروزی جهانی کمونیزم شناخته نمیشود؟؟ اگر قضاوت مازهنی و متعصبانه نباشد بدرستی فضا یا قابل فهم است.

منظور از فهم درست قضایا و درك واقعات چیست؟ برای اینکه

مقصر اصلی جنگ خانمانسوز ویتنام را بشناسیم چه باید بکنیم؟

آیا باید گوش خود را بدستگاه تبلیغاتی صرفا بدهیم و آنچه آنها دیکته میکنند ما هم تکرار کنیم، آیا با تکفیر امریکا و محکوم ساختن اقدامات نظامی این کشور در ویتنام مشکل حل خواهد شد؟؟ آنچه که مسلم است هرگونه اقدام علیه صلح جهانی بهر شکل و نحوه ایکه باشد خیانتی است به انسانیت و بقاء جامعه وسیع بشری، این حقیقت را همه مردم دنیا حتی

مرجع ترین قشر طبقه حاکمه آمریکا همان کسانی که با توسل به ناجونمردانه ترین متدها پای بنای پوسیده تبعیضات نژادی ستون میزنند تا شاید از ریزش بقایای آن جلوگیری کنند و تصورات کاملاً احمقانه نسبت به خصوصیات زندگی در عصر نوین دارند نیز قبول میکنند که باید از جنگ گریخت و نباید گذاشت با یک عمل جنون آمیز آن انفجار نهائی، انفجاری که همه از وقوع آن وحشت دارند و همه برای جلوگیری از بروز آن میکوشند اتفاق افتد.

دیگر درک واقعیات هولناک جنگ و اثرات ناشی از آن احتیاج به مطالعه و تحقیق یا موشکافی و ژرف بینی ندارد. در صحت این مطالب تردید نمیتوان داشت اما فقط حرف اینجاست که چرا با وجود این باز هم بعضی از رهبران سیاسی کشورها آنچنان اشتباهاتی در تعیین «استراتگور» سیاسی و خط مشی کلی کشور های خود مینمایند که واکنش آن بدون تردید قدمی است در راه توسعه طوفان نهائی که جهان را به سوی جنگ میبرد؟؟

امریکا مخالف جنگ است این را مردم دنیا می پذیرند و یا لاقلاً آقندر حسن نیت دارند که اصطلاح امریکا اشتباه کار و ناپخته در رهبری امور جهانی را بجای اصطلاح امریکای جنگ افروز بکار برند.

و این دسته مخصوصاً همان دوستان واقعی امریکا هستند، آنهاست که شکست ایده اولوژیک امریکا را بمنزله شکست دنیای آزاد و اجالت آن میدانند.

این دوستان روشن بین و حقیقت جو میخواهند امریکا بعنوان پیش قراول دنیای آزاد از اعمال هرگونه روش های استعمار طلبانه که به نحوی از انحاء موجب پیدایش اندیشه ضد امریکائی میشود جدا خود داری کند.

هیئت حاکمه امریکا حق ندارد به بهانه مبارزه علیه کمونیزم استقلال و تمامیت سیاسی - اقتصادی و اجتماعی کشورهای هم پیمان و دوست خود را لگدمال کرده و برای تحمیل نظریات خود متوسل بزور و یا اعمال جبر و یا توطئه سازیهای بگردد.

از این راه نه تنها با کمونیزم مبارزه نخواهد شد بلکه مقدمات پیشروی آن نیز فراهم میگردد.

جنگ ویتنام بخاطر حفظ منافع امریکا در این کشور نیست. زیرا منافع امریکا در ویتنام دیگر با هیچ قدرتی محفوظ و مصون از تعرض نخواهد بود، ملت ویتنام از امریکائی و لو اینکه پاسدار امنیت و استقلال او باشد متنفر است. ویتنامی برای اینکه از شر امریکائی رهایی یابد بدامان کمونیزم میگراید و از برخورد با این بد بختی بزرگ نیز وحشتی ندارد.

مقصر کیست؟؟ ملت ویتنام چرا قربانی میشود؟

چرا کم کم آخرین روزنه های امید در ویتنام از بین میرود...؟؟

آیا ویتنام مدفن آینده اولوژی آمریکا خواهد بود؟؟  
 حقیقت این است که مقصر هیئت حاکمه آمریکا است ولی این تقصیر  
 با تقصیری که کمونیست ها در جنگ ویتنام متوجه آمریکا میدانند متفاوت  
 است .

هدف باید روشن ساختن همین تفاوت باشد . و این همان واقع  
 بینی نسبت به تشریح و توضیح مسائل و وقایع است که ما روی آن تکیه  
 میکنیم .



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی